

ورقی از تاریخ تصوف و عرفان

دکتر لطفعلی صورتگر ، نقاش ادبیات فارسی است ، قطعات ادبی را از زبان انگلیسی بفارسی ترجمه مینماید ، چهره تازه‌ای بادیب معاصر می‌بخشد ، روزگار جوانیش درعالم مطبوعات گذشت ، مجله «سپیده‌دم» رادرشیرازمنتشر میساخت ، بهترین مجله‌ای که بصورت ماهانه دراستان فارس منتشر میشد «سپیده‌دم» بود ، بخش‌های ادبی ، علمی ، اجتماعی بانثر شیوائی در مجله چاپ شد ، در روزنامه‌های «شفق سرخ» و «ایران جوان» و مجله‌های آینده ، «مهر» چاپ‌تهران مقاله‌ها و اشعار ارزنده‌ای نشر میداد ، پس از آنکه دکترای ادبیات انگلیسی را ازدانشگاه لندن دریافت نمود ، مجله آموزش وپرورش وزارت فرهنگرا چندسالی زیر نظر داشت ، ترجمه‌های وی را از بهترین نمونه‌های نثر ادبی زبان فارسی میتوان بشمار آورد ، بعقیده من یوسف اعتصامی صاحب مجله «بهار» در ترجمه از ادبیات فرانسه وترکی استاد بود و صورتگر در ترجمه ادبیات انگلیسی هنرمند و تواناست ، کتابهای «سخن سنجی» و «تاریخ ادبیات انگلیس اورا از برگزیده‌ترین آثار جاودانی زبان انگلیسی میدانند .

در نویسندگی سبک خاصی دارد ، نثرش روان و دل‌انگیز است ، شوری در نوشته‌هایش هست که خواننده را موسیقی وار تحت تأثیر قرار میدهد ، سالیان دراز از استادان ادبیات انگلیسی در دانشگاه تهران ورئیس دبیرستان البرز تهران بود ، بعد رئیس دانشکده ادبیات شیراز سپس ریاست دانشگاه پهلوی شیراز را داشت ، از این جهت کمتر دستی بسوی خامه صورتگرش دراز میکرد ، در شعر فارسی هم هنرمند و تواناست در مطبوعات کشور اشعار شیوائش منعکس میشود ، دیوان اشعار صورتگر

چاپ شد و فروغ دیگری بر کنجینه اشعار فارسی افکند، شاعر شیرازی دز مقدمه دیوان اشعار خود «برگ‌های پراکنده» مختصر شرح احوالی از خویشان نوشت، اینجاست که باردیگر تجلی روان تابناک آقامیرزا احمد تبریزی «وحیدالاولیاء» در ادب و فرهنگ فارسی نمودار میشود، در آغاز «دیوان برگ‌های پراکنده» چنین نوشت: آزاده مرد قلندر و صوفی خداپرست و نوع دوست تبریزی که وی را «آفاداداش» می‌گفتند «مؤسس کتابفروش احمدی شیراز» بی‌مضایقه و بی‌انتظار دریافت بهاء هر کتاب تازه‌ای را که از تهران برای او میرسید، بمن برای مطالعه میداد و از اینکه مانند تمام جوانان لایبالی و بی‌خیال، اوراق آن کتب در هنگام چنگ و جدال کودکانه متلاشی میشدیم برابر وی مردانه نمی‌آورد و مانند آن برگ نهال جوان را با آب لطف و مرحمت سرسبز و شاداب میکند و از این کار مسرتی معنوی دارد.

نگارنده ناچیز این سطرها گوید، برادران طریقت زهبی معنویت خاصی را برای آفاداداش معتقدند، در تذکره‌های آثار الاحمدیه و غیره که بتازگی تألیف و در شیراز چاپ شده شرح احوال آن صوفی صافی ضمیر ثبت است، تصویری هم از آن پیر دلیل وارسته و روشن بین در حجره آرامگاه مجدالاشراف در ایوان شاهچراغ شیراز و در کتابفروشی احمدی در خیابان زند شیراز بیادگار باقی است، و بارها بر سر تربت وی شتافتم و همت‌ها خواستم، کتابفروشی احمدی را شاد روان آقا داداش ملقب به «تاج الفقراء» بدستور «وحیدالاولیاء» رکن اعظم سلسله زهیبیه قریب شصت سال پیش افتتاح نمود و همواره مورد علاقه دوستداران کتاب می‌باشد تا کنون در حدود سی جلد کتاب و رساله از سلسله انتشارات خانقاه و کتابخانه احمدی در عرفان و تصوف چاپ و منتشر شده است.

بتازگی صورتگر کتاب دل‌انگیزی بنام «تجلیات عرفان در ادبیات فارسی تألیف و مؤسس و مدیر روزنامه وزین «پارس» چاپ شیراز که از تربیت شدگان مکتب عرفان

آقامیرزا احمد تبریزی ذهبی است همه کتابرا در روزنامه خود منعکس نمود تا بار دیگر پرتوی از عرفان نمودار شود برآستی :

هرگز نمیرد آنکه دلش زنده شد بعشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
قطعه‌ای از ییکن حکیم مشهور انگلیسی که د کتر صورتگر بفارسی در آورده
برای نمونه در اینجا نقل میشود :

فطرت انسانی

طبع انسانی غالب نهفته است و گاهی میتوان بروی غالب آمد اما هرگز نمی‌توان آن را از میان برد فشاری که بطبیعت وارد آید مانند آن روزی است که در زمین زدن گوی بکار میرود و چنانچه هر چه زور بیشتر باشد، گوی نیز بالاتر خواهد پرید . همان‌طور هر چه فشار بر طبیعت شدیدتر باشند واکنش آن قوی‌ترست، دستورها و اندر زهای عقلی و اخلاقی از التهاب و هیجان طبیعت میکاهد. ولی تنها عادت بد دیگر گون ساختن طبیعت و مقهور کردن آن تواناست کسانیکه میخواهند بر نفس خویش مسلط شوند باید این مه‌مرا بسیار دشوار یا بیش از اندازه ناچیز و حقیر نشمرند زیرا در صورت نخست شکست‌هایی پیاپی که در این کشمکش میخورند، آنها را افسرده و نومید خواهد ساخت و در صورت دوم، کندی پیشرفت موجب ملال خاطرشان خواهد گشت همان‌طور که شناگران در آغاز آموختن ضمن شناوری بمدد تخته پاره و خیک پرباد و مانند آن نیاز مندند، آنها که به مبارزه با نفس شروع میکنند، نیز در بدو کشمکش بدستیاران معنوی نیاز مندند ولی همین که مراحل نخستین پیموده شد برای تکمیل آن باید بجای پیدا کردن دستیار موانع و مشکلات خارجی را هم به کمک نفس آورد تا کار کشتگی و هنرمندی آدمی در این داوری و جنگ زیاد شود، چنانکه آنها که میخواهند دونده خوبی باشند در موقع ورزش کفش‌های سنگین می‌پوشند تا پاها بموانع و دشواریها عادت کند و بتدریج در این فن استاد شوند آنگاه که نفس را نیرو بسیار است و پیروزی بر آن

آسان نیست ، بهتر آنست بهنگام خود سر کشی نفس را بتدریج برطرف کرد ، چنانکه شخص را حکایت میکنند که هر گاه خشم بروی مسلط میگشت ، حروف الفباء را آغاز تا پایان با صدای بلند میخواند تادر هنگام این قرائت ، خشم وی فرو نشیند و کم کم حروف را کم میکرد تا آنجا که برخشم خویش آن تسلط یافت ، اما اگر در آدمی توانائی و تصمیم باشد ، بهتر آنست که از همان آغاز بر غلبه کامل بر نفس کوشش کند و بایشرف تدریجی دل نبندد . چنانکه اوید سخن گستر نامدار رومی در این معنی گفته است :

مرد آن کس است که روح خویش را از زنجیرهایی که وی را مقید ساخته اند ، در یک دم آزاد کند و خود را از رنج و شکنجه جراحات یکباره آسوده سازد .

حکایت

وقتی بجهل جوانی بانگ بر مادر پیر زدم دل آزرده بکنجی بنشست
و گریان همی گفت مگر خردی فراموش کردی که درشتی میکنی . قطعه :

چه خوش گفت زالی بفرزند خویش

چو دیدش پلنگ افکن و پیلتن

گراز عهد خریدت یاد آمدی

که بیچاره بودی در آغوش من

نکردی در این روز بر من جفا

که تو شیر مردی و من پیرزن

(سعدی)